



اکسوتومی در نرونهاى PNS نسبت به نرونهاى CNS، و نیز اثرات پروتئینهای مهاری و خنثی سازی آنها جهت پیشبرد

ترمیم CNS مورد بحث قرار میگیرد ✓ ۹۳۰۸۵
۸۴/۸/۱۸

دوره زمانی میلین دار شدن دسته قشری نخاعی در نخاع انسان در مقایسه با موش

صحرائی

زهرا فلاح

دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد

شناخت وقایع تکاملی در طی دوره بلوغ دسته قشری نخاعی (CST) ابزاری را برای آشکار شدن نقائص در اختلالات حرکتی فراهم می آورد. در این مطالعه، پیشرفت میلین دار شدن الیاف قشری نخاعی در نخاع گردنی انسان به روش هیستوشیمیایی مورد بررسی و مقایسه با آن در موش صحرائی گردید. مقاطع انجمادی نخاع گردنی جنین انساندر هفته های ۴۲-۲۵ بارداری و مقاطع نخاع موش صحرائی از روز اول تا روز ۳۷ بعد از تولد برای رنگ آمیزی با کلرور طلا آماده شدند. با این روش، میلین دار شدن CST در نخاع گردنی انسان در هفته ۴۲ آشکار گردید. برعکس در موش صحرائی شروع میلین دار شدن در روز ۱۴ بعد از تولد بود که تا روز ۳۷ ظاهراً تکمیل شده بود. این بررسی بطور واضحی دوره زمانی طولانی میلین دار شدن CST را در نخاع نسبت به سایر دستجات عصبی نزولی شخص می کند.

حقوق معلولین (ضایعات نخاعی) در اسناد بین المللی

۸۴/۸/۱۸

احمد آملی

۹۳۰۸۶ ✓

۹۸۰۳۵

ضایعات نخاعی نوعی معلولیت است که در طیف disabled Persons مطابق قطعنامه ۴۸/۹۶ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار میگیرند.

متأسفانه واژه ی disability ترجمه ای لفظی در ایران شده و به «ناتوانی» تعبیر گردیده که با روح و اهداف قطعنامه برابرسازی فرصتها در تعارض است. در بند ۱۷ قطعنامه مذکور ضمن تعریف از دو واژه ی نقص و محدودیت ناشی از بیماری، حسی، عقلانی و ذهنی و فیزیولوژیک بکار برده و در کنار آن واژه ی دیگری (فقدان) نیز تصریح شده که مبین آن است disability یک طیف است که شامل افراد کم توان و ناتوان میشود.

پس از جنگ جهانی اول جامعه ملل به حقوق معلولین را در اولین بیانیه که پایه تنظیم اعلامیه جهانی حقوق بشر باید محسوب داشت تصویب گردید، متعاقب آن در دهه ۱۹۶۰ دو میثاق بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برای کلیه بشر در سازمان ملل متحد تصویب شد، رویکرد اساسی مجمع عمومی سازمان ملل



متحد به حقوق سلول از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، مثل حقوق خصوصی و عمومی اشخاص سلول که در سمینار بدان خواهیم پرداخت.

در دهه ۱۹۸۰ یک مطالعه وسیع توسط بخش های تخصصی سازمان ملل متحد انجام که به دهه «کم توانی و ناتوانی ها» معروف شده است. پس از آن قطعنامه «مقررات استاندارد برابر سازی فرصت ها برای اشخاص کم توان و ناتوان» در ۱۹۹۳ طی شماره فوق تصریح گردید که ابعاد مختلف نیازهای این انسان ها مورد تأکید قرار داده است، این قطعنامه به عنوان بخشی از اسناد حقوق بشر محسوب که در عرصه اجرائی فاقد مکانیزم نظارتی در یک کمیته ی مخصوص زیر مجموعه حقوق بشر است که بدین لحاظ نگارنده در حال بررسی تبدیل آن به یک کنوانسیون میباشد.

در مقاله حاضر ابعاد مختلف مکانیزم های حمایتی در عرصه ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی با توجه به اسناد معتبر سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار گرفته و با دو تعبیر حق (Right) و حقوق (Law) از دیدگاه حقوق بشر و سایر اسناد آشنا خواهیم شد و حقوق اشخاص با ضایعات نخاعی را به عنوان یکی از انواع معلولیت ها پی خواهیم گرفت.

۹۳۰۸۲ ✓

۸۴/۱۸/۱۸

هیدروتراپی و تالاسوتراپی در ضایعات نخاعی

سهیلا خزاعی

دانشگاه علوم پزشکی ایلام

آسیبهای نخاعی سبب طیف گوناگون بیماریهای ثانویه (آتروفی عضلانی، دفورمیتة اسکلت، بی کفایتی سیستم ایمنی، عفونتهای دستگاه ادراری، بروز اختلالات روانی، بیماریهای احتقانی قلب و ریه و ...) میگردد. در اثر عدم تحرک، توازن طبیعی بدن مختل شده و در نتیجه اختلالات آندوکراین و اگزوکراین، دفورمیتة اسکلت، کاهش توانایی های کورتکس مغز ایجاد میشود.

در هیدروتراپی و تالاسوتراپی بیماران مبتلا به آسیبهای نخاعی با استفاده از آب و هوای دریاچه ارومیه نتایج زیر گزارش شده است :

۱ - با قطع نخاع به علت عدم استفاده از نیروی ثقل تعادل فرد به هم خورده آب دریاچه امکان استفاده مجدد از این نیرو را فراهم مینماید و با کمک عضلات تقویت شده شکمی، پاراورتبرال، لگن به طور عمودی در آب قرار میگیرند.

۲ - وجود نیروی دینامیکی در جریانهای زیر دریایی امواج دریا، عملاً باعث انقباض عضلات آتروفیه شده و اثرات آن با هیپرتروفی همان عضلات مشخص میشود.

۳ - با قرار گرفتن عمودی در داخل آب دریاچه چند قدمی راه میرفتند.